

چهارشنبه غرض شهر شوال الکتره سال هجری
خامسین این روزنامه در طهران و غیره
از سایر بلاد ایران حق مطالبه قیمت
ندارد

دانش

شانزدهم ماه خزانة ۱۲۰۴
اعلان این روزنامه قیمت ندارد
از اقطابها خاصه علیه در مدینه
مبارک که دارالفنون

و می توان در باب آن مجلدات عدیده نالیف خود عجاا
در این مقام بیک خواص عوی انار طبیع ان قناعت میکنیم
و بعد هادذ مواقع مخصوصه از فواید خاصه ان اشارتی
خواهد رفت
هو احوذ از ادی و ورشته نمایرا از خواص است که عبادند
از خواص فزیک با ظاهره و خواص شیمیایا باطنی
خواص ظاهره هول هو اجمه است بخاا
و لطیف غیر خارجاوری و قابل تراکم و ارتجاع و استحاله
ناپذیر یعنی با هیچ بر دت و فشاری جوود و میخاپد نکند
هو اداطم و جوود نکوست له بالعرضه مقدار کثیر از آن
آب رنگ بنظر آید و رنگ اسنان نکود بواسطه برده خیم هوا
جو است هو اما نند سایر اجسام بخار تبار ای وزن و نقل
و کرده ای از فلاسفه سلف ملتفت وزن هو اووده اند
لوگرس شاعر ایفنه که نو و پنیک قبل از میلاد مسیح
وفات کرده در نوشتجات خود از وزن هو اشارت کرده آ

علوم طبیعی

هول ضرب واهل الطیات عزاسمه برای مخلوق در دنیا
هیچ نعمتی بزرگتر از هو اینا فزیه زرا که حیوة و نو و بکافوع
افراد انک و حیوان بناک بسته وجود هوا است بلکه تکون
اغلب مواد اجسام نیز مشارک ان صورت بنشد خداوند متان
جمله عظمه و عطفه فله تر جنین کوه میخنی ابقیت و بها
قرار داد نامتم و فقیر و ضعیف و توانا بیک نهم از ان شمع
و این جوهر لطیف در هر جای صاری جاری ساخت تا نالیف
بالنسبت از ان بهره مند کردند هیچ منفسی از انشکر بر کوهت
کبری عقلت و انبیت هیچ ذروی از فواید این نعمت عظمی
چشم نواند پوشید متفهمین فلاسفه و متالین را در
و سود ان شبهه نبوده و مناخرین حکما و طبیعین هیئت در
صده تحقیق طبیعت تکلیف معرفت بصحیقت ان بر آمده اند
در تمام کتب حکمت هیئت اصول مبسوطه از هو اسطوری

لسان الکامل و السیاطن قلینک اول کلینک و ساکره الکتون و جمعه معتدل جمع منقلید و اطله مندر

- (۲۱) مس و کجه تقیه الکتره هینه نجا چیست سبب الفت که در ابتدا این قوه را از مالش میله بطور باسطه مستو
بلوژ پیدا کرده اند
- (۲۲) مس و کجه تقیه الکتره هینه سقره چیست سبب الفت که در ابتدا این قوه را از مالش میله باسطه سقر
یا پارچه پشه پیدا کرده اند و کاه را بخود از جنس سقر است
- (۲۳) مس ایما از برای و قسم الکتره هینه اسم دیگره فرزنداده اند چه الکتره هینه نجا چه او جبر و سقره

اکنون در مجالس در سر فیهات این وزن را محسوس میکنند
 هرگز امیل تحقیق نباشد بمدت سه مبارکه ذوالفتون
 حاضر شود و ذرات فیهات این عمل را با اسبابه هونما^{له}
 برای اثبات وزن هوا جناب آنها بسته شیشه را بردارند
 که در کردن آن شیشه از بیخ نصب است و از فتح و ستان شیشه
 هوا اندرون از جناب با هوا خارج می شود با مسکون^ط
 میتواند اندک شدن از جناب را در خطا که مثل از هوای متعارف است
 از شاهین نر از وی *حیسا* او میخندد وزن از این چند روینت
 کند و شیران ثابت با اسباب خالو هوا شد و وصل^{له}
 و هوا اندرون از خارج سازند و محدد شیر اندرون
 ساخته از شاهین تراز و معانق کنند و وزن جدید باشد
 نموده عدد ثانی را از عدد اول تقریباً نمایند تفاوت و در *حیسا*
 خواهد بود از وزن هوای که محسوس در شیشه بوده است
 بواسطه مقدار تجارت بقیه *میو و نیو* *Mr. Regnaud*
 که بزکری حکای معاصر است تحقیق پوسته که ظرفیکه *نیو*
 یکم تبره باب یکبار (سه لیتر ظرفیت داشته باشد)
 اگر ممتل از هوا باشد در صفر رجه حارت و هفتاد و شش
 سانقیم فشار هفتاد و هفت کندم و نیم هوا خواهد کرد
 (فید رجه حارت و مقدار فشار در رقیب این وزن بخارا
 ناگه برسان) پس بواسطه حصار مختصر میتوان فهمید
 که هوا محیط بر سطح خانه هفتصد و هفتاد و سه برابر از
 آب سنگتراست و وزن هوا از اجنه سنجید از آن خصوص

بخارات و احدا قرار داده اند و اگر حساب کنیم تمام وزن
 طبقه هوای که محیط کره ارض است ضابطه مقدار آن
 از غیر تقریباً *حیو* خارج میشود همین قدر میگویم که مطابق
 حساب یکی از حکای طبیعی اگر جانی فرض کنیم بظرفیت تمام
 کره هوا و از ابسطه بقیه کفینم با نر از وی جناب سنجید و در *حیو*
 از جناب معادل خواهد شد با وزن پانصد و هشتاد و
 یک هزار عدد سنگ وزن میس که هر یک از آنها عبارت باشد
 از یک *مطیبه* از مس *مطیبه* که هر یک از ذرات *طوبه* از *حیو* عرض *حیو*
 ذرع ارتفاع داشته باشد و چون وزن هر یک از آنها
 تقریباً پنجاه و هشت هزار پانصد و سی چهار کرف و خور
 میشود وزن پانصد و هشتاد و یک هزار آن سنگها را
 با ارقام مداوله و حساب کرد و در آن در کرد
 ما باید سنجید

چون وزن هوای ثابت شده معلوم است که آن وزن بر سطح کره زمین
 و اجسام واقع در آن فشاری از می آورد و این فشار بر قطب
 حکای طبیعی که قائل بر ثقل هوا بوده اند شده بود ولی از *حیو*
 که سعود الماز در *روله نلیه* بواسطه فشار هوا دانست
توسیلی ایتالیائی *Coricelli* بود که در *حیو*
 مسیحی کشف این معنی نمود این دانشمند که شاکر و حلیفه *گیله*
 معروف *Galilei* بود ثابت کرد که چون صنوبر
 آبد *روله نلیه* نصف از می در *وی* (ده ذرع و کسری) بخارا
 نمیکند معلوم میشود که فشار از ستون آب تعداد یکصد *لیتر*

منفیه گفته اند

(۳۱۴) **س** وجه تسمیه موجب و منفیه چیست **ح** اولاً سبب آنست که بنا بر فرضیکه در طبیعت اکثر نسبتها میگردند
 چنین قبول کرده بودند که آثار اکثر نسبت بواسطه کثرت یا نقصان سیالیه و زمینیه است از آن **الکریک** نامیده بودند بنا بر این فرض
 کثرت آن سیالیه اکثر نسبته موجب و نقصان آن منفیه است تا اینچون این دو قسم اکثر نسبته از حیث خواص متضادند و چنین بنظر میاید
 که هرگاه جسم را بجز از آنها جذب کند دیگر به دفع می نماید و بالعکس این دو قسم اکثر نسبته اگر بمقدار متساوی در جسم واحد جمع و مرکب
 شوند یکدیگر اخته کنند و خواص آنها منقضی ماندان وقت کوبید جسم در طالت تحقیق است بعضی وسایله متخالفه اکثر نسبته در آن مقدار
 متساویست از هیچیک اثری بر وزن نمیکند

از هو اگر عده اش با فاعده ستون ان ارب ار تفاعش بانام انفع
 هوا جو سوا و باشد و برای تا سید قول خود بگوید بجای اب کلا
 بر دو ثابت کرد که عمل این فلتر سیال مغا بر عمل آبت مگر اینکه طول
 ستون این دو مایع نسبت معکوس اند با وزن مخصوص آنها
 یعنی چون وزن مخصوص برقی ۱۳۷۵۹ بیشتر از آب است
 طول ستون آن در کوله ۱۳۷۵۹ کمتر از آب خواهد بود

(هفتاد و شش سانیتر) و اختراع پیران هوا از آرزو شد
 معینا پیران عقاید قدیمه قول نکردند و گفتند سبب صعود
 آب در فلک منع بودن خلأ است در ۱۷۵۰ **اوتو گریک**
otto de Guericke استیاب خلأ هوا را اختراع
 نمود و ثابت شد که طبیعتا از خلأ امتناع نیست و سبب صعود
 مایعات در کوله افشار هوا جو است

معلوم شده است که فشار هوا در هر سانیتر مرتب سطح زمین
 و اجسام اقمه بر آن معادل است با فشار یک از وزن ۱۰۳۳۳۴۱
 گرام حاصل میشود اگر میخواهیم مقدار فشار هوا را بر هر جسم
 بسنجیم اول تعیین سطح انجیم را نموده هر سانیتر مرتب آن را
 در ۱۰۳۳۳۴۱ ضرب کنیم حاصل ضرب مقدار ان فشار خواهد
 بود با مثل سطح بدن انسان متوسط الخلفه تقریبا یک وز نیم
 مربع است لهذا فشار یک از هوا بر او در دو زمین بر بدن هرگز
 وارد نمی آید معادل است با آنچه هزار و پانصد کیلو گرام کشتیا
 مسای است باینجه و دو خوار البته در اول نظر تصور این مسئله
 مشکل است که انسانا ضعفی بجهت چگونگی این بار کثیر التحمل میکند

و هیچگونه ملذذ نیست در صورت تحقیق معلوم میشود
 که سیالان اندر وی بدن انسان و حیوانات نیز از داخل بخارج
 فشاری را در محاورند و تعادل ان فشار را در وی با فشار
 بیرونی هوا موجب ابطال افشاء آن دو قوه متضاده است
 و چون ضغطه هوا میجو نیز از جهات ستر است اعتقاد است
 حتی ان نکند و متضاد از آن نتواند

بقیه در آخر آیه

بقیه افیون

چون این ضاع کر اینها بجهت دوک شرف زمین مال القهار عظیمه
 و از کرد و رفتارها تجاوز میکند این بنده را چنین بظن سپند
 که در این روزنامه علمه شطرنج از فائو کشتی در ذرع کو کار
 و قواعد اخذ افیون و طریقه امتحان و تمیز نبات و بدان تغییر
 نیز که و تعداد جوهرات ماحوزه و ادویه مرکب از این ماده
 دو انبر امتدتر جامد کرده ارد و انخواس قر با دبی و موارد
 استعمال طبیی آن اشارت کند مخصوصا در باب نار مشوره
 که از انگار در قدر شرب آن و حالات غده که از غذا امت
 در کشتید ان حاصل میشود مختصر ذکر نماید با بصیرت نماید کار
 و بسیار ایراد موجب بدهاستحشا شو و مختص بصره ابتدا مینماید
 از اهمیت تجارت و کثیر شایع و شرایح ان و به دو مثال قناع
 می رود مظا و ثبت فانه با شایعین و کثرت طبیی انکلیس و
 هر ششست هفت هزار و صد و قمر ناک از سمت هندوستان
 وارد بشاد در دولت چین شده است قیمت تجارتی آن تعادل

(۲۵) **س** چرا بواسطه مالش الکنز نسبت بر وزن میکند
 که بواسطه مالش پیدا میشود بشرطی که تبدیل میشود بقوه الکنز نسبت چنانچه با شریط دیگر تبدیل میشود بحزارت و نور در فرض
 متفقد این چنین بقول میگردند که بواسطه مالش دو قوه الکنز نسبت کرد و جسم مرکب و متخی شده اند از یکدیگر جدا میشوند و بنا بر طبیعت
 جسم فایده شده کاهی الکنز نسبت موجب و کاهی منقیه در سطح ان تفاوت پیدا میکند و الکنز نسبت متضاده آن بواسطه
 جسم مالش دهند که فرقه میشود

(۲۶) **س** چرا اگر کاغذ را ناما پارک مالش دهند روی هم میچسبند
 الکنز نسبت بر وزن کذا غایت امر پیدا میکند که جذب بین نماید با مجزوبان شود و بان میچسبند قوه جاذبه همیشه از طبیعت

بوده است با یکصد و هفتاد میلون فرانک که تقریباً
 سوی پنج کرد پول ایران باشد و این مقدار و مبلغ سال
 بسال در زاید بوده است اکثر نایک واکر از مالک دولت
 علیه عثمانی جعل کرده اند بران مبنی بر این بدو شهره دادند
 تر نایک در دنیا در چند سال به پیغام کرد پول ایران میرسد
 و همچنین مطابق ثبت که گمانه حال متحد امربک شما کرد
 شد است یکصد و بیست و هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 نریا کارد کرده است پس معلوم میشود که عمل تجارت این محصول طیبی
 چه قدر عمل است ناچار ندازه مایه ثروت زارین و تجارت بحر
 و تری شده است در دولت علیه نیز چنانکه است فرج کو کار
 و محل افیون بختاج معول در ابلج است علاوه بر این در داخل
 مملکت نیز ادوستان زیادی از تر نایک میشود در باب ذرع
 کو کار و قانون اخذ افیون رجوع میکنند بقانون معولی که
 از قدیم نایب نایب و زارین ایران متداول بوده و بمبرور
 ایام تکمیل کرده اند زیرا که چون این حاصل مخصوص شرق زمین
 بوده است همیشه از ایران و هند و مصر عثمانی بلیه مالک
 دوزخ و سبزه و سبزه نایب بصر اهل فلامت و دولت و
 شرق بیشتر از مردم سایر مالک است هیند و میگویم کو کار نایب
 از نظایفه پاپا و **دراسه** *papaveraceae* جنس
 پاپا و *papaver* نوع آن که مخصوصاً اخذ افیون
 کنند زرع میشود موسوم است کو کار سفید یا کو کار صورتی

و معلوم است که تعیین علانامه صفا مصحح ظاهر و جبر و فرج
 این نبات نوط است بعلم کما است که از شعبه صبوطه تاریخ طبیعت
 و ذکر آن ما را در طلب اصل خود خارج میکند با چون بواسطه
 تنوع و غیره در کتب مختلفه خشک است که ثمر این نباتات بسیار و مشکافی
 شیر و شیر ما نند از آن شرح شود که پس از تجزیه نباتی در طی و طوبت
 و اینجا انبساط عصاره عصاره شکل بدست آید که موسوم است با فون
 و این لفظ از کلمه یونانی مأخوذ است که بمعنی عصاره شیر است
 و در اغلب کتب نیز این لفظ با تنبیه جزوی در تلفظ متداول است

خبرارطبی

از فری که از قوم فوشه اند میرزا علی اکبر خان شیرازی طیب مخصوص
 جناب جلال الخا اعضاء الذمه و حافظ الصلح دارالایمان قم
 بر حسب خواهرش جناب اقامه فرا ابوالقاسم امام جمعیان بلد
 در پیر مرد ضعیف البتیه که در بالای ایوان خود سکته
 شکی ز که دانسته عمل بیک خوب کرده است و بدون
 خطر و سخت آن سکته را بیرون آورده است چون
 وزن آن سکته بیتر از هجده سپر بوده و پس از خروج آن
 مریض فقیر قادر بر هر گونه کاری شده عموم مردم از طبیب
 تجتید نموده زبان بدعای بقای عمر و دولت اعلمت
 اقدس ها یون شاهنشاهی و خاندان کثرتند که
 اسباب رفاهیت عامه آماده شده است

و به هر قدر مقدار ماده جسم کم باشد مجذوب جسم نیز کم خواهد شد

(۲۷) **سوس** اگر دروق کاغذ خنیم خاکستر و نیکال یا آهن خور بچسبند و دو سه مرتبه در بالای پای خود بکشند
 که مالش بنیاد آن کاغذ می تواند خوب بدو از جیب بد حال میخوامیم بدانیم سبب چیست **ج** سبب این که چون بواسطه
 مالش قوه الکتریسیته در کاغذ بر زمین بکند جاذب مجذوب میگردد لهذا قابل آن میشود که با جاش محاذ و زو خود بکشد
 (۲۸) **سوس** وقتی که سینه بر شیشه را مرتب و با ماهوت پاک کن پاک میکند چنانکه از آن بظانند که در اطراف میکشد
 در سطح آن پراکنده و چسبند و در کجا چسبند از فوق بخت متحرک میشود **ج** زیرا که مالش شیشه را الکتریسیته میبندد
 لهذا جذب جسم خفیفه میکند از قبیل ذرات بظان
 بقدره علمه انیس